جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۱
یکشنبه ■ ۸ آذر ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۴۸۱

اعتراف پدر معتاد به قتل دختر معلول

مرد معتاد که دختر ۱۰ ساله معلولش را به قتل رسانده بود، بازداشت شد و به این جنایت اعتراف کرد. به گزارش خبرنگار جام جم، روز پنجشنبه پنجم آذر امسال زنی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و اطلاع داد دختر ۱۰ ساله‌اش که معلول جسمی و ذهنی بوده در خانه‌شان در یکی از محله‌های تهران فوت کرده است. ماموران برای بررسی ماجرا به خانه مورد نظر اعزام شدند که معلوم شد این دختر زمان زیادی از مرگش گذشته و شواهد نشان می‌داد او براثر خفگی به قتل رسیده است. ماموران از مادر کودک تحقیق کردند که وی در تشریح ماجرا گفت: شوهرم معتاد بود و با هم اختلاف و درگیری‌های زیادی داشتیم و از هم جدا زندگی می‌کردیم. چند روزی بود از دخترم خبری نداشتم. دل‌نگران شدم و برای سرکشی به خانه‌مان آمدم که دیدم او کنجی از اتاق افتاده است. به اورژانس زنگ زدم که آمدند و گفتند زمان زیادی از مرگ او گذشته است. مرد معتاد به اتهام قتل فرزندش تحت تعقیب پلیس بود تا این‌که در پاتوق افراد معتاد شناسایی و بازداشت شد. متهم بعد از انتقال به اداره دهم پلیس آگاهی تهران بازجویی شد و به قتل فرزندش اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: معتادم و علاوه بر آن دختر خردسالم معلول جسمی و ذهنی بود. به خاطر شرایط مالی و اعتیادم نمی‌توانستم به‌درستی از او نگهداری و هزینه‌هایش را تامین کنم. دخترم مدام اذیتم می‌کرد و شرایط نگهداری‌اش سخت شده بود. روز حادثه با دخترم درگیر شدم و او را خفه کردم. ساعاتی بعد پشیمان شده و فرار کردم. سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: مرد معتاد به اتهام قتل فرزندش در زندان به‌سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

جوانمردی در دفاع از یک زن

لیلا حسین زاده
گروه حوادث

جوان ۱۷ ساله ارومیه‌ای که برای دفاع از زن جوانی وارد درگیری شده بود، با دو ضربه چاقو جان باخت. دوستانش نیز زخمی شدند و پلیس متهم را کمتر از ۲۴ ساعت بعد به دام انداخت.

«یوسف به حکم شرافت و جوانمردی و این‌که ناموس ایرانی به کمک نیاز داشت، جلو رفت، اما آن ناجوانمرد او را به قتل رساند.» اینها صحبت‌های پسرعموی پدر یوسف است. جوان ۱۷ ساله اهل آذربایجان‌غربی که شامگاه جمعه هفته گذشته در شهرک دانشگاه ارومیه در حمایت از یک زن جوان وارد عمل شد، اما با دو ضربه چاقو به قتل رسید. دو نفر از دوستان یوسف نیز در این جریان زخمی شدند. رئیس پلیس آگاهی آذربایجان‌غربی از دستگیری متهم به قتل در کمتر از ۲۴ ساعت خبر داد.

بامداد شنبه، تصاویر نوجوانی با تیتر «جوانمرد» در فضای مجازی دست به دست می‌شد. او برای نجات یک زن جوان جان باخته بود؛ پسری به نام یوسف مرادی بلارغو.

کسانی که او را می‌شناختند، نوشته بودند حیف از تو یوسف، حیف. بیشترین کلمه‌ای که به چشم می‌خورد «حیف» بود.

شب حادثه، یوسف و دو نفر از دوستانش به نام‌های سپیان و پیمان مشغول گفت‌وگو بودند که صدای مشاجره زن و مردی را شنیدند که در نزدیکی آنها حضور داشتند. زن و مرد به‌شدت با یکدیگر جر و بحث می‌کردند تا حدی که مردم اطراف و یوسف و دوستانش نیز متوجه آن شدند.

دانش اسمعیلی بلارغو، پسرعموی پدر یوسف در تشریح این جنایت به جام جم گفت: «من اطلاعی ندارم که این زن و مرد چه نسبتی با یکدیگر داشتند و دقیقا چه اتفاقی رخ داد، اما طبق شواهد و قرائن به‌دست‌آمده، در جریان این جر و بحث خانم با صدای بلند می‌گفت من کسی را ندارم و با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرید. پیرمردی هم که شاهد این مشاجره بود به مرد گفت این کار خوب نیست و انجام نده که مرد هم در جواب گفت من این خانم را دوست دارم و به کسی ارتباط ندارد. یوسف هم جوان بود و غیرتمند. شرافتش اجازه نداد نسبت به این جریان و فریادهای کمک خانم بی‌تفاوت باشد و برای همین تنها جلو رفت و به او گفت دست از این کار بردارد. در فیلم هم مشخص است که یوسف لباس سفید به تن دارد و جلو می‌رود. هیچ‌کس از جمعیتی که در محل حاضر بود، جلو نرفت. آن فرد به جای تمام کردن این ماجرا دو ضربه چاقو به پشت و پهلوی یوسف زد و یوسف روی زمین افتاد. وقتی یوسف روی زمین افتاد، سپیان و پیمان که برادر و هر دو از یوسف بزرگ‌تر هستند، سراغ یوسف رفتند و گفتند چرا افتادی و این‌طوری می‌کنی؟ که یوسف در پاسخ گفته بود به من چاقو زده است؛ یعنی در این حد حرفه‌ای چاقو زده بود. حتی سپیان و پیمان هم چاقو خوردند. یوسف دچار خونریزی شده بود، اما کسی به کمکش نیامد. او با همان وضعیت تلاش کرد خود را به خانه برساند تا از خانواده‌اش کمک بخواهد. ضارب از محل جنایت گریخت و زن همراهش نیز پا به فرار گذاشت، اما مردم زن را دستگیر کردند تا پلیس از راه برسد.»

آن‌طور که اسمعیلی می‌گوید، شدت جراحات یوسف به حدی بود که او دوام نیاورد و پیش از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست داد. او در ادامه می‌گوید: «آن‌طور که با پدر سپیان و پیمان صحبت کردم، آنها برای جراحی به اتاق عمل رفتند و هنوز هم بستری هستند. قاتل هم در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شد و من از همین‌جا از نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی و اداره آگاهی تشکر می‌کنم که ضارب را در اطراف شهر ارومیه دستگیر کردند. یوسف تک‌پسر خانواده بود و یک خواهر داشت، اما ضارب همین یک پسر غیرتمند را از خانواده‌اش گرفت. یوسف یک ایرانی بود و متعلق به همه ایران است. برخی افراد سوءاستفاده‌گر بحث قومیتی مطرح کردند درحالی‌که همه هموطن و ایرانی بوده و زیر یک پرچم هستیم.»


مقتول

رئیس پلیس آگاهی آذربایجان‌غربی در تشریح جزئیات این پرونده اظهار کرد: در پی وقوع درگیری منجر به قتل یک نفر و مجروحیت دو نفر دیگر در شهرک دانشگاه ارومیه، رسیدگی به موضوع در دستورکار کارآگاهان اداره مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی قرار گرفت.

سرهنگ کارآگاه صادق شکری افزود: کارآگاهان با انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی و بررسی سرنخ‌های موجود، موفق شدند عامل این جنایت را شناسایی و شامگاه ۳۰ آبان، کمتر از ۲۴ ساعت پس از وقوع حادثه، دستگیر کنند.

مکث

روایت مجروح حادثه

پیمان یکی از مجروحان این حادثه نیز گفت: «حدود ساعت ۷:۳۰ تا ۹ شب بود که متوجه فریادهای زنی شدیم که از مردم درخواست کمک می‌کرد. ابتدا تصور کردیم موضوع اختلاف خانوادگی است اما با ادامه ماجرا مشاهده کردیم مردی، یک زن را روی زمین انداخته و او را با چاقو تهدید به قتل می‌کند. این زن بارها با فریاد، درخواست کمک کرد. من و برادرم سپیان با هدف جلوگیری از تشدید درگیری و نجات این زن وارد عمل شدیم اما فرد مهاجم با تهدید و توهین اعلام کرد که در صورت دخالت، ما را نیز هدف قرار خواهد داد. ما هیچ قصدی برای ایجاد درگیری نداشتیم و تنها تلاش کردیم فرد مهاجم را آرام کرده و از ادامه تهدید جلوگیری کنیم اما وی با سلاح سرد به من و برادرم حمله کرد.»

قاتل ادمین فن‌پیج خانم بازیگر قصاص شد



عامل قتل ادمین یکی از فن‌پیج‌های خانم بازیگر پس از چهارسال در زندان قزل‌حصار کرج به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، عصر هفدهم تیر سال ۱۴۰۰ زوجی برای کوهنوردی به غرب تهران رفته بودند که موقع گرفتن عکس سلفی متوجه شدند در پشت تصویرشان جسد مردی دیده می‌شود. با تماس آنها، مأموران جنایی به محل آمدند و جسد را که بر اثر سه ضربه چاقو به گردنش از پای درآمده بود، یافتند. تحقیقات محلی نشان داد صبح راننده پژویی را دیدند که روی خودرویش لکه‌های خون وجود داشت و به سرعت در حرکت بود. مأموران به او شک کردند. با شناسایی هویت مقتول مشخص شد، این مرد با منشی‌اش شام بیرون رفته و با هم عکس گرفتند که این موضوع باعث اختلاف با شوهر منشی شده بود. پس از این جنایت، بهنوش بختیاری در صفحه اینستاگرام خود متنی را در کنار یک عکس از مقتول منتشر و اعلام کرد او یکی از فن‌پیج‌هایش بوده که به قتل رسیده است. سرانجام رد قاتل در یکی از روستاهای شهر اراک به‌دست آمد. مأموران برای دستگیری او رفتند که کارگر یک مرغداری را به گروگان گرفت و قصد خودکشی داشت که خلع سلاح شد و گروگان نجات یافت. از قاتل یک قبضه کلاشینکف، یک قبضه سلاح شکاری و ۶۵ تیر کشف شد.

مدتی بعد پرونده‌اش برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهرن ارسال شد؛ والدین مقتول برای قاتل فرزندشان درخواست قصاص کردند. متهم به قتل در جلسه محاکمه به تشریح ماجرا پرداخت و گفت: زنم از همسر اولش طلاق گرفته بود و در مهمانی‌ای با هم آشنا شده و ازدواج موقت کردیم. شش ماه قبل از حادثه او از طریق دوستش به‌عنوان منشی در شرکت مقتول مشغول به کار شد اما مدتی بعد متوجه تغییر رفتارهای زنم شدم. گاهی دیر می‌آمد و می‌گفت شام کاری رفته است. ساعت‌ها با تلفن حرف می‌زد و زیاد در فضای مجازی بود. حتی یک شب زنم دیر آمد که پس از جروبحث با وی فهمیدم با صاحب شرکت رستوران رفته و حتی عکس یادگاری گرفتند. همین ماجرا مرا عصبانی کرد. برای پایان دادن به شک و تردیدها از زنم خواستم او را به خانه‌مان بیاورد که آن مرد نیامد. بعد خواستم حوالی بزرگراه شهید خرازی بیاید که آمد. او مدام به گوشی‌اش نگاه می‌کرد. به زور آن را گرفتم و دیدم عکس‌هایی با زنم گرفته است. فهمیدم آن دو به من خیانت کردند. عصبانی شدم و سه ضربه چاقو به او زدم. او را در جاده منتهی به دره انداختم. کارت بانکی و گوشی او را برداشته و فرار کردم. چاقو و گوشی را در خیابان انداختم. ۴۰ میلیون تومان از کارت او برداشتم و کلاشینکف خریدم. در یک مرغداری پنهان شدم. می‌خواستم بروم سراغ زنم و او را بکشم و خود هم خودکشی کنم که پلیس به آنجا آمد ساعاتی کارگر مرغداری را گروگان گرفتم که پلیس مرا ناکام گذاشت و گروگان آزاد شد.

قضات دادگاه حکم به قصاص قاتل دادند. این رأی در دیوان عالی کشور تأیید و به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد. مرد زندانی بیش از چهار سال زیر حکم قصاص بود اما نتوانست رضایت بگیرد و در زندان قزل‌حصار کرج به دار مجازات آویخته شد.

دفن مخفیانه شوهر برای پنهان ماندن جنایت

زنی که پس از قتل شوهرش، جسد او را در خانه دفن کرده و چند روز بعد برای صحنه‌سازی، پیکر او را به راهروی مجتمع مسکونی منتقل کرده بود، با صدور کیفرخواست به‌زودی در شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از حدود یک سال قبل و با گزارش کشف جسدی در راهروی یک مجتمع مسکونی در غرب تهران آغاز شد. مأموران پس از حضور در محل با پیکر مردی میانسال روبه‌رو شدند که آثار دفن شدن در زیر خاک روی آن دیده می‌شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد جسد مدتی در محل دیگری دفن بوده و سپس به راهروی ساختمان منتقل شده است.

یکی از همسایه‌ها که موضوع را به پلیس گزارش داده بود، در تحقیقات گفت: «امروز متوجه بوی تعفن در راهرو شدیم. وقتی رد بو را گرفتیم، با جسدی در راهروی طبقه همکف روبه‌رو شدیم. شوکه شده و با پلیس تماس گرفتیم.»

در ادامه تحقیقات مشخص شد جسد متعلق به مردی میانسال است که در طبقه همکف همان ساختمان زندگی می‌کرد. مأموران پس از شناسایی هویت مقتول، سراغ خانواده او رفتند. همسر مقتول در اظهارات اولیه مدعی شد دو روز از شوهرش بی‌خبر بوده و قصد داشته برای ناپدید شدن او شکایت کند، اما در نهایت جسدش را مقابل خانه پیدا کرده است. اظهارات متناقض این زن، ظن مأموران را برانگیخت و او بازداشت شد. از سوی دیگر، تحقیقات محلی نشان داد مقتول و همسرش اختلافات خانوادگی و درگیری‌هایی با یکدیگر داشته‌اند.

زن بازداشت‌شده سرانجام در جریان تحقیقات به قتل شوهرش اعتراف کرد و درباره چگونگی جنایت گفت: «با همسرم اختلاف خانوادگی داشتم و به همین دلیل تصمیم به قتل او گرفتم. ابتدا با قرص بیهوشش کردم و بعد خفه‌اش کردم. جسد را در خانه دفن کردم، اما چند روز بعد ترسیدم همسایه‌ها از بوی جسد متوجه ماجرا شوند. به همین دلیل آن را از زیر خاک بیرون آوردم و در راهرو گذاشتم تا این‌طور وانمود کنم که قاتل، جسد را به آنجا منتقل و رها کرده است.»

با تکمیل تحقیقات و اعتراف متهم به قتل همسرش، برای او کیفرخواست صادر شد و پرونده با اتهام قتل عمد به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. این زن به‌زودی در شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه می‌رود تا از خود دفاع کند.

انکار آتش‌افروزی به چوبه دار ختم شد

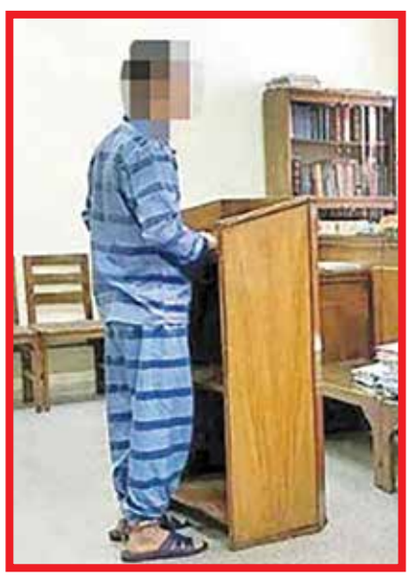

مردی که متهم است به خاطر اختلاف مالی، مرتکب قتل دوستش شده و جسدش را به آتش کشیده بود، با تأیید حکم مجازاتش در دیوان عالی کشور در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت. این پرونده پس از تأیید حکم به دادگاه کیفری یک استان تهران بازگشت.

به گزارش خبرنگار جام جم، اردیبهشت سال ۱۴۰۲، نیمه‌های شب خانه‌ای در محله نامجو طعمه حریق شد. شعله‌های آتش به‌سرعت زبانه می‌کشید و همسایه‌ها را سراسیمه به کوچه کشاند. پدر صاحبخانه نیز که در همسایگی فرزندش زندگی می‌کرد، با نگرانی خود را به محل رساند و از دیگران درخواست کمک کرد.

با حضور آتش‌نشانان و مهار حریق، جسد سوخته مرد جوانی به نام همایون از خانه بیرون کشیده شد. شدت سوختگی به حدی بود که امکان شناسایی او دشوار شده بود. از سوی دیگر، کارشناسان آتش‌نشانی عمدی بودن آتش‌سوزی را اعلام کردند و همین موضوع رسیدگی به مرگ مشکوک مرد جوان را در دستور کار تیم جنایی قرار داد.

در جریان تحقیقات مشخص شد مقتول از مدتی قبل با مردی به نام اکبر اختلاف مالی داشته و چندین بار بر سر این موضوع با یکدیگر درگیر شده بودند. با توجه به این اختلاف، اکبر به‌عنوان مظنون اصلی تحت نظر قرار گرفت. بررسی آنتن تلفن همراه او به دستور بازپرس جنایی نشان داد گوشی‌اش هنگام وقوع آتش‌سوزی در خانه مقتول آنتن‌دهی داشته است. با به‌دست آمدن این سرنخ، دستور بازداشت او صادر شد.

متهم پس از دستگیری به قتل اعتراف کرد و درباره انگیزه‌اش گفت: «مدتی بود با همایون اختلاف مالی داشتم. ما با هم کار می‌کردیم و او مبلغی به من بدهکار بود اما برای پرداخت پول امروز و فردا می‌کرد. چندین بار با او درگیر شدم اما نتیجه‌ای نگرفتم. کلافه شده بودم و تصمیم گرفتم به خانه‌اش بروم.»

او درباره شب جنایت نیز گفت: «صورتم را با دستمال پوشاندم تا دوربین‌های مداربسته تصویرم را ضبط نکنند. از دیوار حیاط بالا رفتم و وارد اتاق شدم. فکر می‌کردم همایون خواب باشد اما بیدار بود و پای لپ‌تاپ نشسته بود. وقتی مرا دید، شروع به داد و فریاد کرد. ترسیدم همسایه‌ها برسند و گیر بیفتم. ابتدا با چاقو چند ضربه به او زدم. بعد ملحفه‌ای را که روی مبل بود با فندک آتش زدم و به سمتش پرتاب کردم تا بترسد و جلو نیاید.»

متهم درباره فرار از محل نیز مدعی شد آتش به‌سرعت گسترش پیدا کرد و به‌دلیل حضور همسایه‌ها در کوچه، از بالکن فرار کرد. او گفت هنگام خروج، پدر مقتول را دیده که به سمت خانه می‌آمده اما برای جلب نکردن توجه او، با آرامش از محل دور شده است.

با صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه دادگاه، خواهر و برادر مقتول درخواست قصاص کردند. وکیل خواهر مقتول نیز با اشاره به نحوه ورود متهم و آتش‌زدن خانه گفت: جسد مقتول به‌قدری سوخته بود که حتی پدرش هم نمی‌توانست او را شناسایی کند. متهم در بازسازی صحنه، جزئیات جنایت را تشریح کرده و با هدف قتل وارد خانه شده بود. به همین دلیل تقاضای قصاص داریم.

سپس رئیس دادگاه اتهامات مباشرت در قتل عمد، حریق عمدی و سرقت مقرون به آزار را به متهم تفهیم کرد اما اکبر با رد اتهامات گفت: «من اصلا به آن خانه نرفته بودم و مرتکب هیچ‌کدام از این کارها نشدم.»

او درباره حضورش در محل حادثه نیز مدعی شد آن زمان اعتیاد داشته و برای تهیه مواد به سر کوچه رفته است. متهم گفت خانه‌اش ۱۰ کوچه با خانه مقتول فاصله داشته و حتی برای مهمانی هم به منزل او نرفته است.

رئیس دادگاه سپس بخشی از اعترافات قبلی او را یادآوری کرد؛ اعترافاتی که در آن از پوشاندن پلاک موتور، استفاده از ماسک و ورود به خانه مقتول گفته بود. متهم همچنین پیش‌تر اعتراف کرده بود پس از درگیری، با چاقوی اره‌ای دو ضربه به سر مقتول زده و وقتی او قصد تماس با تلفن همراهش را داشته، ملحفه را آتش زده و پس از برداشتن تعدادی از وسایل فرار کرده است.

با این حال، اکبر این‌بار ادعا کرد اعترافاتش تحت فشار بازجویی بوده و مطالبی را که از مردم محل و افسر پرونده شنیده، بازگو کرده است.

قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شده و اکبر را به قصاص محکوم کردند که این حکم با اعتراض او روبه‌رو شد. این‌بار پرونده در شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور بررسی و مورد تأیید قرار گرفت و پرونده به دادگاه بازگشت.

کوتاه از حوادث

قاتل سارا برومند در ملأعام قصاص می‌شود

دادستان عمومی و انقلاب خراسان‌رضوی با اشاره به روند کیفرخواست قتل سارا برومند در دادسرا، گفت: باتوجه به جریحه‌دار شدن افکار عمومی نسبت به این موضوع، درخواست اجرای حکم قصاص قاتل سارا برومند در ملأعام را مطرح کردیم که تصمیم نهایی در این خصوص برعهده دادگاه و دیوان عالی کشور است. حسن همتی‌فر به ایسنا گفت: از همان روز نخست، بازپرس ویژه برای رسیدگی به این پرونده تعیین و قاتل نیز دستگیر شد. ظرف ۱۰ روز در دادسرا کیفرخواست صادر شد که این سرعت در صدور کیفرخواست، اقدامی کم‌سابقه بود. پرونده اکنون در دادگاه کیفری یک در حال رسیدگی است و پیگیر هستیم که رأی با سرعت صادر شود. وی افزود: در دادسرا با توجه به جریحه‌دار شدن افکار عمومی نسبت به این موضوع، درخواست اجرا حکم قصاص در ملأعام را مطرح کردیم که البته تصمیم نهایی در این خصوص برعهده دادگاه و دیوان عالی کشور است. این گزارش حاکی است، در پی اعلام ناپدیدشدن سارا برومند، زن ۲۷ ساله در روز چهارم آبان امسال در شهر گلبهار، تحقیقات پلیسی آغاز و در ادامه جسد او کشف شد. چند روز بعد هم رد قاتل به دست آمد و او نیز بازداشت شد و به این جنایت اعتراف کرد.

راز سرقت پرستار

پرستاری که با سوءاستفاده از اعتماد صاحبخانه و تهیه کپی از کلید، طلا و جواهرات و اموال باارزش خانه‌ای اعیانی در شهرک غرب را سرقت کرده بود، دستگیر شد.

در پرونده‌ای دیگر، سارق تجهیزات پالایشگاه نفت تهران که تنها چند روز پس از آزادی از زندان دوباره سرقت‌هایش را آغاز کرده بود، به دام پلیس افتاد. همچنین پاتوق فروش و مصرف شیشه در شرق تهران با دستگیری یک توزیع‌کننده مواد مخدر منهدم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، چند روز قبل مردی با مراجعه به کلانتری شهرک غرب از سرقت طلا و جواهرات و اموال باارزش خانه‌اش شکایت کرد. شاکی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: مدتی خارج از کشور بودم و وقتی به ایران برگشتم، متوجه شدم خانه‌ام مورد دستبرد قرار گرفته و تمامی طلا و جواهرات و اموال باارزشم به سرقت رفته است. با حضور مأموران در محل و بررسی صحنه سرقت متوجه شدند سارقان بدون تخریب در ورودی وارد خانه شده‌اند؛ موضوعی که احتمال آشنایی سارق با محل را تقویت می‌کرد. در ادامه، مأموران با بازبینی دوربین‌های مداربسته مسیرهای منتهی به خانه، تصاویر تردد‌های مشکوک یک زن را به دست آوردند. صاحبخانه با مشاهده تصاویر، این زن جوان را شناسایی و اعلام کرد او پرستار خانه بوده است. در ادامه تحقیقات، مخفیگاه زن جوان شناسایی و او دستگیر شد. متهم در بازجویی‌های اولیه به سرقت اعتراف کرد و گفت: از اعتماد صاحبخانه سوءاستفاده کردم و بعد از تهیه کپی از کلید خانه منتظر فرصت مناسب ماندم. وقتی آنها به خارج از کشور رفتند، با کلید کپی‌شده وارد خانه شدم و اموال باارزش را سرقت کردم. سپس اموال سرقتی را به یکی از استان‌های جنوبی بردم و فروختم.

متن کامل

فرار پس از جنایت در کافی‌شاپ

مرد جوان در جریان درگیری در کافی‌شاپی در شرق تهران یکی از مشتریان را با ضربات چاقو کشت و متواری شد. به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۴ بامداد جمعه ششم آذر امسال یکی از مأموران کلانتری جوادیه تهرانپارس در تماس با غلامحسین صادق‌زاده، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان مرگ مرد ۳۵ ساله در بیمارستان قرار داد. با دستور قضایی تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا به بیمارستان اعزام شدند. آنها در بررسی‌های اولیه متوجه شدند که او در یک کافی‌شاپ در میدان پروین مورد اصابت بیش از ۱۰ ضربه چاقو قرار گرفته بود. مأموران جنایی با حضور در کافی‌شاپ، تحقیقات خود را از شاهدان درگیری آغاز کردند. یکی از آنها گفت: مرد ۳۵ ساله مشتری‌مان بود و بیشتر مواقع به کافه می‌آمد.

متن کامل